

عوامل مؤثر در حفظ و توسعه ارزش‌ها مبتنی بر دیدگاه مقام معظم رهبری

سید اصغر جعفری^۱

چکیده

ارزش‌ها مهم‌ترین و اساسی‌ترین عامل در نظام اعتقادی و بازخوردهای انسان به‌شمار می‌آیند. وقتی شخصی ارزشی را پذیرفت برای او هدف می‌شود و در جهت‌گیری او نقش تعیین‌کننده‌ای پیدا می‌کند. اسلام ارزش‌هایی را ارائه کرده که باید آنها را پذیرفت و به‌کار گرفت. چرا که با تکیه بر ارزش‌ها است که پایه‌های نظام اسلامی مستحکم شده و استوار می‌ماند. اینکه ارزش‌های نظام اسلامی چیست و چه عواملی در حفظ و توسعه ارزش‌ها مؤثر است، پرسش‌هایی است که این پژوهش با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و با تأکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری آنها را مورد بررسی قرار داده است. در این مقاله پس از بررسی مباحث نظری درباره ارزش و بیان جایگاه آن در اسلام، عواملی از قبیل تقویت ایمان و باورهای دینی، الگوپذیری از رهبران دینی، حفظ و ارتقای بصیرت، دشمن‌شناسی، اهتمام به فریضه امر به معروف و نهی از منکر و... به‌عنوان عوامل مؤثر در حفظ و توسعه ارزش‌ها یاد شده است و به این نتیجه کلی دست یافت که تنها باطل السحر توطئه‌های دشمن علیه نظام اسلامی، پاسداری از ارزش‌های انقلاب است.

کلید واژه‌ها: ارزش‌های انقلاب اسلامی، حفظ نظام اسلامی، ایمان، بصیرت، دشمن‌شناسی.

مقدمه

ارزش‌ها تعیین کننده الگوی رفتاری، گفتاری و عملکردی افراد محسوب شده (پدريان، ۱۳۷۷: ۲۲۴) و خاصیتی است که چیزی را مورد پسند و قابل احترام می‌کند (تامس، ۱۳۸۳: ۴۶). به همین دلیل ارزش، عامل اصلی در نظام اعتقادی و بازخوردهای انسان به شمار می‌آید. زیرا، وقتی شخصی ارزشی را پذیرفت برای او هدف می‌شود و در جهت‌گیری او نقش تعیین کننده‌ای پیدا می‌کند، به طوری که می‌توان گفت در کلیه عرصه‌های زندگی که مستلزم تصمیم‌گیری است دخالت کرده و در انتخاب فرد اثر می‌گذارد. بنابراین ارزش‌ها، از بنیادی‌ترین عوامل جهت‌دهنده رفتارهای انسانی در هر جامعه و نیز عاملی مؤثر در توانمندی کشورها در برخورد با عوامل تهدید کننده امنیت ملی به‌شمار می‌آید.

در میان ارزش‌های موجود در جوامع، ارزش‌های دینی از امنیت بخشی مؤثری برخوردار است (محرابی، ۱۳۸۸: ۱۳). چنانکه یکی از دانشمندان معاصر در این زمینه می‌نویسد: در دوره‌های گذشته حکومت‌های دینی که بر پایه ارزش دینی قرار داشته‌اند از امنیت بیشتری نسبت به جوامع سکولار امروزی برخوردار بوده‌اند (برینر، ۱۳۷۵: ۴۸). دلیل آن هم این است که در جوامع دینی، دستورات و الگوهای رفتاری افراد و پیروان آن به‌طور دقیق مشخص شده است و جنبه‌ای که مشخص نشده به وسیله سیره و عقل روشن می‌شود. در حالی که در جوامعی که جنبه خدایی و الهی قضیه کنار می‌رود و منشأ این ارزش‌ها وحی نمی‌باشد، عقل حکما، فیلسوفان و دانشمندان اجتماعی است که نوع الگوی رفتاری افراد را مشخص و معلوم می‌سازد؛ بدیهی است این نوع ارزش‌ها، به تناسب نیازها و شرایط اجتماعی، دستخوش تغییرات هستند (ابراهیم نژاد، ۱۳۹۱).

مقام معظم رهبری امام خامنه‌ای (مدظله العالی) نیز بارها در بیانات خود بر این موضوع مهم تأکید داشته و آحاد مردم و مسئولین را متوجه این امر کرده‌اند که موفقیت، پیشرفت و امنیت کشور، در گرو «دو دستی چسبیدن به ارزش‌های اسلامی» (بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۷۳/۰۳/۰۸) است. اینکه ارزش‌های اسلامی چیست و چه عواملی در حفظ و توسعه ارزش‌ها مؤثر است، پرسش‌هایی است که این پژوهش با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و با تأکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری آنها را تبیین خواهد کرد.

مروری بر مباحث نظری

۱. تعریف ارزش

واژه ارزش^۱ در زبان فارسی اسم مصدر ارزیدن و دارای معنایی چون، قدر، مرتبه، استحقاق، لیاقت، شایستگی، زیندگی، براندازی، قابلیت است (وثوقی، ۱۳۷۱: ۱۸۷). اصولاً انسان‌ها همواره ایده‌هایی درباره آنچه که خوب یا بد، مناسب یا غیر مناسب و ضروری و یا غیر ضروری است داشته‌اند. به این گونه ایده‌ها،

ارزش گفته می‌شود و هنگامی که این ارزش‌ها در نظامی از معیارها و ملاک‌ها، برای ارزیابی ارزش اخلاقی و شایستگی رفتار، سازماندهی می‌شوند، یک نظام ارزشی را پدید می‌آورند (ترنر، ۸۰ و گیدنز، ۱۳۷۳: ۱۶۲). در واقع، ارزش، یعنی آنچه برای ما مهم است (کینی، ۱۳۸۱: ۱۵). در فرهنگ فلسفی لالاند چهار معنی متفاوت از ارزش ارائه شده است که بازگو کننده چهار مفهوم است:

- ۱- بازگو کننده آن چیزی است که فرد یا گروهی به آن تمایل و علاقمندی دارد.
 - ۲- آن چیزی را شامل می‌شود که کم و بیش در میان عده‌ای مورد توجه و احترام است.
 - ۳- وقتی است که فرد یا گروهی در رسیدن به هدف خود ارضاء می‌شود.
 - ۴- ارزش متکی به جنبه اقتصادی است.
- در این تعاریف علی‌الاصول کیفیت امور و چیزها مطرح هستند، کیفیاتی که مورد توجه و احترام انسان‌ها هستند و این تأیید گروهی به علت فایده‌ای است که این اشیاء برای انسان‌ها ارائه می‌کند (محسنی، ۱۳۷۱: ۲۰۴).

ارزش‌ها احساسات ریشه‌دار و عمیقی است که اعضای جامعه در آن شریکند، این ارزش‌ها اعمال و رفتار جامعه را تعیین می‌کنند. هر جامعه‌ای برای زندگی خانوادگی، حفظ موازین دینی، رعایت حقوق والدین، حفظ ادب و احترام به بزرگ‌ترها، ارزش بسیاری قائل است، گرچه از این ارزش‌ها تعبیر و تفسیرهای متفاوتی می‌شود و به صورت وسیع و عمیقی در هر جامعه ای رواج دارد (کوئن، ۱۳۷۲: ۶۱). به بیان دیگر، ارزش عبارت است از اندیشه‌ها و تصورات از آنچه یک فرهنگ خاص به آنها به‌عنوان خوب یا بد، متمایل یا غیر متمایل توجه دارد (محسنیان راد، ۱۳۷۵: ۴).

برخی از منظر اخلاقی، ارزش را در گستره حیات اجتماعی جزء ضروری جماعت‌های اخلاقی معرفی کرده که در آنجا روش‌های تفکر، سخن گفتن، قضاوت کردن همه متأثر از این اصول اخلاقی است (Sharma, 1998: 201).

در مجموع می‌توان گفت: ارزش عبارت است از همان چیزهایی که انسان برای آنها قدر و اهمیت قائل است و آن را برای خود و جامعه مفید و سودمند قلمداد می‌کند. ارزش در تبیین اندیشه، عمل یا اعمال افراد و همچنین شکل‌گیری حیات اجتماعی نقش بنیادینی دارد.

۲. ویژگی‌های ارزش

ویژگی‌های ارزش‌ها که بیشتر جنبه جامعه شناختی دارد را می‌توان به شرح زیر ذکر کرد:

- ۱- ارزش‌ها میان مردم مشترک‌اند و شمار کثیری از افراد درباره اهمیت آنها به توافق رسیده‌اند (وفاق اجتماعی).
- ۲- ارزش‌ها با عواطف همراه‌اند. اشخاص برای صیانت ارزش‌ها مبارزه می‌کنند و برای حفظ ارزش‌های والا از بذل مال و جان دریغ نمی‌ورزند.
- ۳- ارزش‌ها به قضاوت شخصی افراد بستگی ندارند.

۴- چون ارزش‌ها به وفاق میان اشخاص کثیری پذیرفته شده‌اند، می‌توان آنها را مفهوم‌سازی کرد. یعنی از اشیای گوناگون ارزیابی شده انتزاع کرد (نیک گهر، ۱۳۶۹: ۲۸۱).

۳. انواع ارزش

۱. ارزش‌های فرهنگی: ارزش‌هایی که موجبات تعالی حیات انسان را فراهم می‌سازند، صوری فرامادی به حیات می‌بخشند؛ هرگز کهنه نمی‌شوند.

۲. ارزش‌های اقتصادی: عبارت است از ارجی که در یک امر مادی یا معاشی وجود دارد و یا ارج معاشی و پولی که برای یک امر مادی یا معنوی نظیر تعلیم، و یا یک امر هنری مثل خوردن، اعتبار می‌شود (مطهری، ۱۳۷۴: ۶۲).

۳. ارزش‌های اخلاقی: ارزش‌هایی که صورت دستوری دارند و رفتار و اندیشه را در جهت خاص سوق می‌دهند (پدریان، ۱۳۷۷: ۲۲۱).

۴. ارزش‌های دینی: ارزش‌های برین که معنویت را وارد حیات بشری می‌سازند و دارای تقدس‌اند (پدریان، ۱۳۷۷: ۲۲۱).

۵. ارزش‌های قانونی: ارزش‌هایی که در جامعه به شکل قوانین مدون تجلی می‌یابد و دارای ضمانت اجرایی است.

ارزش‌های یاد شده، به دلیل عمومیت، جبری بودن و خارجی بودن «اجتماعی» خوانده می‌شوند. از این رو، تمام این ارزش‌ها در حقیقت انواعی از «ارزش‌های اجتماعی» هستند (محسنی، ۱۳۷۱: ۲۰۵). در اصطلاح جامعه‌شناسی Social Norms یا Social Value عبارت است چیزی که مورد پذیرش همگان است. ارزش اجتماعی، واقعیت‌ها و اموری را تشکیل می‌دهند که مطلوبیت دارند و مورد درخواست و آرزوی اکثریت یک جامعه است (علی احمدی، ۱۳۸۳: ۲).

ارزش در نگاه اسلام

۱. جایگاه ارزش‌ها

اگرچه انسان برای رسیدن به کمال و سعادت چاره‌ای جز پذیرش زندگی اجتماعی و حضور در جامعه ندارد، اما این واقعیت را نیز نمی‌توان نادیده گرفت که هر جامعه و زندگی جمعی هم نمی‌تواند انسان را به کمال مطلوب و سعادت واقعی راهنمایی کند. جامعه‌ای می‌تواند متضمن سعادت آدمی باشد که پیش از هر چیز خود از هویتی ثابت و قوی برخوردار باشد و این وابسته به ارزش‌هایی است که در آن جامعه حاکم است، زیرا جامعه هویت و ثبات خود را از ارزش‌هایش می‌گیرد. از این رو، ارزش‌های حاکم باید خود از ثبات و دوام برخوردار باشند تا بتوانند در هر زمان و مکانی چون چراغی فروزان راه رفتارهای فردی و اجتماعی افراد را هموار سازند و این چنین توانی را تنها باید در ارزش‌های دینی جستجو کرد. زیرا ارزش‌های دینی به دلیل اتصال‌شان به وحی نوعاً ثابت و لایتغیرند. ارزش‌هایی که ریشه در ذوق و سلیقه

افراد دارند از ثبات لازم و کافی برخوردار نیستند و ارزش‌هایی که دائم در حال تغییر و دگرگونی اند، توانایی ایجاد و حفظ وحدت و ثبات و انسجام در جامعه را ندارند (محرابی، ۱۳۸۸: ۱۳).

اسلام ارزش‌هایی را ارائه کرده که باید آنها را پذیرفت و به کار بست. این ارزش‌ها چه ما آنها را بخواهیم و چه نخواهیم معتبر است و چنین ارزش‌هایی، چه بدانیم و چه ندانیم، وجود دارند. بنابراین، نظریه‌ای که معتقد است ارزش تابع خواست و سلیقه افراد و گروه‌هاست مورد پذیرش اسلام نیست. ارزش‌هایی که اسلام ارائه می‌دهد یا مربوط به فرد و زندگی فردی است یا مربوط به جمع و زندگی اجتماعی. در زندگی اجتماعی، ارزش‌هایی وجود دارد که همه باید آنها را نسبت به یکدیگر رعایت کنند (مصباح یزدی، ۱۳۹۱). ارزش‌ها در اسلام - که مبتنی بر جهان‌بینی اسلامی و نگرش توحیدی به عالم هستی است - در واقع، حکم شاخ و برگ‌های درخت تنومند اسلام را دارد که ریشه آن را اصول دین تشکیل می‌دهد. مجموعه این ارزش‌ها که نظام ارزشی اسلام را شکل می‌دهد، در قالب «بایدها» و «نبایدها» و یا دستورهای اسلامی مطرح می‌شوند (پیروز و دیگران، ۱۳۸۶: ۳۲۹). مقام معظم رهبری در این باره فرمودند:

«اموری هست که مردم باید انجام دهند و صفتهایی هست که باید آن صفتها را برای خودشان به وجود آورند. اینها، ارزش‌هاست. کارها و صفتهایی هم هست که مردم باید از آنها دوری کنند. اینها، ضد ارزش‌ها است... [یعنی] همه جا، چیزهایی هست که از نظر دین، مکتب یا آن تمدن یا فرهنگ خاص، مطرود و منفی است که باید کنار گذاشته شود. در عرف شرعی و دینی، به این ضد ارزش‌ها، «محرمات» یا امور مذموم و صفات زشت می‌گویند» (بیانات در حرم امام رضا(ع) ۱۳۷۴/۰۱/۰۳).

۲. معیار ارزش‌ها

هر مکتبی برای خود ارزش‌هایی دارد که محور ارزیابی را بر آن قرار می‌دهد. در مکاتب سرمایه‌داری معیار ارزش پول و سرمایه است؛ در مکاتب به اصطلاح لیبرالی معیار ارزش آزادی و دموکراسی است و... مکتب حیات‌بخش اسلام نیز برای پیروان خویش ارزش‌هایی را مطرح کرده و قضاوت‌ها را بر اساس آن قرار می‌دهد (خاتمی، ۱۳۷۹: ۸۹). اسلام شاخص‌ها و معیارهایی را برای ارزش‌ها بیان کرد که برخی از مهم‌ترین آنها عبارتند از:

الف - تقوا

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» (حجرات، آیه ۱۳).

ب - علم

«قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ» (زمر، آیه ۹).

ج- جهاد

«لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولِي الضَّرَرِ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَكُلًّا وَعَدَّ اللَّهُ الْحُسْنَى وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا» (نساء، آیه ۹۵).

د- سبقت در عمل به ارزش‌ها

«...لَا يَسْتَوِي مِنْكُمْ مَنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَقَاتَلَ أُولَئِكَ أَعْظَمُ دَرَجَةً مِنَ الَّذِينَ أَنْفَقُوا مِنْ بَعْدُ وَقَاتَلُوا وَكُلًّا وَعَدَّ اللَّهُ الْحُسْنَى وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ» (حدید، آیه ۱۰).

عوامل مؤثر در صیانت و گسترش ارزش‌ها

اگر هدف اصلی دشمنان انقلاب اسلامی، تضعیف و تغییر باورها و ارزش‌های اسلامی است، بنابراین، بهترین راه سالم سازی و افزایش آمادگی جامعه در برابر این دسته از ترفندها و توطئه‌های پیچیده دشمنان، حفظ و گسترش ارزش‌ها در زندگی فردی و اجتماعی است.

از دیدگاه مقام معظم رهبری برخی از مهم‌ترین عواملی که در حفظ و گسترش ارزش‌ها مؤثر است را می‌توان به شرح زیر نام برد.

۱. تقویت ایمان

واژه ایمان از ریشه «امن» گرفته شده است و به معنای آرامش و اطمینان قلب و نبود ترس است (لسان العرب، واژه امن). از نظر اصطلاحی عبارت است از باور یا نیرویی معنوی که باعث می‌شود انسان با شجاعت و قدرت و صدق و اخلاص برای رضای خدا تلاش کند و در مسیر قرب الهی قرار بگیرد و با آرامش کامل به دور از هر گونه شک و شبهه‌ای به انجام وظایف فردی و اجتماعی خود همت گمارد و از سرزنش هیچ سرزنش کننده‌ای هراس به خود راه ندهد.

تمام اعمال نیکو و شایسته‌ی انسان از ایمان و اعتقاد آگاهانه که در اعماق روح و جان انسان نفوذ کرده نشأت می‌گیرد، هر قدر ایمان و اعتقاد انسان به خداوند تبارک و تعالی قوی‌تر و کامل‌تر باشد، اثرات بیشتری در انجام اعمال مناسب و نیک از او بر جای خواهد ماند و در نتیجه ارزش‌های اسلامی رواج پیدا خواهد کرد. برعکس اگر باورها و اعتقادات در انسان سست و ضعیف شود، نه تنها ضد ارزش‌ها جایگزین ارزش‌ها خواهد شد، بلکه توانایی و قدرت و اعتماد به نفس در او کاهش می‌یابد و در نتیجه در برابر هرگونه خواسته‌های شیطانی تسلیم شده و «خودباخته» می‌شود. امام علی(ع) در این باره می‌فرماید:

«ایمان روشن‌ترین راه‌ها و نورانی‌ترین چراغ‌هاست، با ایمان می‌توان به اعمال صالح راه برد و با اعمال نیکو به ایمان می‌توان دسترسی پیدا کرد» (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۶).

مقام معظم رهبری با تأکید بر اینکه «راز ماندگاری این انقلاب، اتکای به ایمان‌هاست؛ اتکای به خداست» (بیانات در دیدار با کارکنان نیروی هوایی ارتش، ۱۳۸۸/۱۱/۱۹)، در مناسبتی، ایمان را اساسی‌ترین عامل در حفظ نظام اسلامی و ارزش‌های آن نام برد و فرمودند:

« ایمان بود که مردم ما را در انقلاب پیروز کرد. ایمان بود که ملت ما را در جنگ، به پیروزی‌های درخشان رساند. ایمان مردم بود که اسلام و قرآن را در دنیا سربلند کرد و جمهوری اسلامی را به این عزت و عظمت رسانید... این ایمان را قدر بدانید و حفظ کنید. این، آن چیزی است که هیچ سلاحی در مقابل آن، کارگر نیست... در مقابل ایمان، تجهیزات استکبار و امریکا، هیچ کارایی ندارد. مردم ما، با سلاح ایمان مسلحند. لذاست که استکبار نمی‌تواند انقلاب شکوهمند و با عظمت ملت ایران را شکست بدهد. ملت ایران، به خاطر ایمان عمیق به اسلام، یک ملت شکست‌ناپذیر است» (سخنرانی در جمع خانواده‌های شهدای ایلام، ۱۳/۱۰/۱۳۶۹).

بی‌تردید حفظ و حراست از ارزش‌ها، در سایه ایمان افراد جامعه، به راحتی قابل تحقق است. زیرا کسانی که به خدا ایمان دارند؛ اولاً، اهل رعایت حقوق دیگران بوده و تمامی جوانب اخلاق را رعایت می‌نمایند، به طور طبیعی چنین جامعه‌ای از فساد و انحرافات اخلاقی به دور خواهد بود؛ ثانیاً، به تعهدهای خود وفادار بوده و اهل امر به معروف و نهی از منکر می‌باشند که این امور زیر بنای تشکیل جامعه‌ای عدالت محور را فراهم می‌آورد. ثالثاً، هنگامی که انسان‌ها قوانین، حدود و حقوق یکدیگر را محترم شمارند، به یکدیگر مهر خواهند ورزند، هریک برای دیگری آن را دوست بدارد که برای خود دوست می‌دارد و آن چیزی را که برای خویش نمی‌پسندد، برای دیگران نیز نخواهد پسندید، در این صورت جامعه‌ای سالم و پویا به وجود خواهد آمد و امنیت در بالاترین سطح خود شکل خواهد گرفت.

۲. تقویت پیوند با روحانیت

نگاهی گذرا به تحولات سیاسی و اجتماعی از یک صد و پنجاه سال پیش به این طرف نشان می‌دهد که هر حرکت اصلاحی، مبارزه اجتماعی و سیاسی و هر تحول بزرگی در ایران اتفاق افتاده است، یا رهبران آنها روحانی بوده‌اند و یا روحانیت جزو رهبران آنها بوده است. مبارزه با امتیازات مکتسبه از سوی استعمارگران در دوران مشروطه از جمله در قضیه تنباکو، ملی شدن صنعت نفت، مبارزه با رژیم پهلوی که منتهی به نهضت عظیم اسلامی و تشکیل جمهوری اسلامی شد، از جمله نمونه‌های نقش آفرین روحانیت است. به همین دلیل این نهاد دینی و مردمی، همواره مورد خشم دشمنان اسلام و استکبار قرار داشته و آنها تلاش دارند تا مردم را از این نهاد استکبار ستیز دور کنند. بنابراین، با تمسک به روحانیت و علمای متعهد اسلام، نه روحانی نماهای غیرمتعهد (صحیفه نور، ج ۲۰: ۲۴۲)، می‌توان اسلام ناب محمدی (ص) و ارزش‌های آن را از اسلام راحت‌طلبان و سازشکاران، اسلام زر، زور و تزویر و در یک کلام اسلام آمریکایی^۱ (همان: ۲۳۱) تشخیص داده و از آن صیانت نمود.

۱. اسلام آمریکایی، یعنی تهی کردن اسلام از حقیقت و محتوای واقعی خود، یکی از شگردهای نظام سلطه علیه اسلام در روزگار معاصر است. نظام سلطه سعی می‌کند به ترویج قرائتی از اسلام بپردازد که جهاد در آن نباشد؛ امر به معروف و نهی از منکر در آن نباشد، اسلامی که با مسائل اجتماعی و سیاسی و مدیریتی و اقتصادی کاری نداشته باشد؛ اسلامی که معتقدان به آن صرفاً به انجام عبادات فردی یا دسته جمعی بی‌روح بپردازند و در مسائل اجتماعی و سیاسی دخالت نکنند. چنان‌که نویسندگان کتاب ساخت شبکه‌های مسلمان میانه رو (Rabasa, 2007) که مبلغان اسلام آمریکایی هستند، اسلام و مسلمانانی را که با مبانی فکری و ارزشی و رفتاری غرب سازگار باشند را مورد تأیید قرار داده و به ترویج و تمجید آن می‌پردازند.

چنان که مقام معظم رهبری در این باره فرمودند:

« برای رسیدن به کمالات و اهداف انقلاب اسلامی عظیم، فرصت‌ها را مغتنم شمارید و معرفت و فهم دینی را در ذهن و دل خود، وسعت و عمق بخشید. با تهذیب نفس و تقویت روح مسؤولیت، صحنه‌های انقلاب را خصوصاً آنچه به پاسداری از ارزش‌ها و فرهنگ و روحیه‌ی انقلابی است، پر کنید و پیوند خود را با جامعه و اقشار مختلف و به خصوص روحانیت معظم تقویت کنید و از حیل‌های شیطانی و دسائیس و ترفندهای ابلیسی که گاه حتی در لحن و قالب دلسوزی است، برحذر باشید... خود را آماده‌ی پیشاهنگی در خط صحیح و بی‌انحراف نگهدارید و هوشمندانه خط صحیح و مستقیم را از کجراهه‌های انحرافی باز شناسید و صبغه‌ی الهی را ترویج و شعایر اسلامی را تعظیم کنید» (پیام به مناسبت روز ملی مبارزه با استکبار جهانی ۱۳/۰۸/۱۳۶۹).

مقام معظم رهبری در مناسبت دیگری با تأکید بر اینکه بدون حضور علما انقلاب و ارزش‌های آن حفظ نخواهد شد، فرمودند:

«نقش علمای دین در هدایت مردم، منحصر نمی‌شود به هدایت در امور فرعی و مسائل شخصی و اینها. مهم‌تر از همه‌ی اینها، هدایت مردم است در مسئله‌ی عظیم اجتماعی و مسئله‌ی حکومت و مسئله‌ی نظام اسلامی و وظائفی که مترتب بر این هست در مقابله‌ی با حوادث جهانی. یقیناً اگر نقش علمای دین و راهنمایان روحانی حذف می‌شد و وجود نمی‌داشت، این انقلاب تحقق پیدا نمی‌کرد؛ این نظام به وجود نمی‌آمد و باقی نمی‌ماند، با این همه مشکلات فراوانی که در سر راه این انقلاب به وجود آوردند. بنابراین علمای دین... تأثیر ماندگار و مستمری در حوادث جامعه و سرنوشت جامعه دارند» (بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۸۸/۱۲/۰۶).

۳. کسب و افزایش بصیرت

بصیرت، در لغت به معنی بینایی، دانایی، دوراندیشی و زیرکی است (فرهنگ فارسی عمید)، در اصطلاح عبارت است از نیرویی که انسان در پرتو آن قادر خواهد بود از نشانه‌ها به کُنه مطلب و حقیقت پی ببرد. اگر قرار باشد در جامعه اتفاقی بیفتد انسان بصیر از نشانه‌های آن، آخر کار را قبل از فراهم شدن آن می‌بیند «العاقل یکفیه بالاشاره» زمینه را که دید عاقبت را هم می‌بیند (گنجینه، ۱۳۹۰: ۲۹). بنابراین، کسی که عمق مسائل و حوادث را با تیزبینی و زیرکی درک کند و حقایق و واقعیت‌ها را خوب تشخیص دهد، دارای بصیرت است.

امام علی(ع) برای عنصر بصیرت جایگاه ممتازی قائل بودند، چنان که درباره مجاهدان زمان رسول خدا(ص) فرمودند: «حَمَلُوا بِصَائِرِهِمْ عَلَىٰ أَسْيَافِهِمْ (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۰). آنان بصیرت‌ها و اندیشه‌های روشن و حساب‌شده خود را بر شمشیرهای خود حمل می‌کردند» در واقع، آن حضرت در این عبارت کوتاه، اوج آگاهی و بینش یاران پیامبر(ص) را نسبت به آرمان‌ها، اهداف و ماموریت خویش در برابر دشمن، به همگان گوشزد می‌کند.

برخوردار شدن از بصیرت، مهم‌ترین امر در دفاع از دین است. تا عنصر بصیرت و هوشیاری وجود نداشته باشد، واقعیت‌ها تشخیص داده نشده و حقایق فهمیده نمی‌شود. در نتیجه، فرد فاقد بصیرت، درک و

فهم درستی از اوضاع و احوال نخواهد داشت و از مسیر اصلی منحرف شده و هدف را گم خواهد کرد. به همین دلیل است که امام صادق(ع) فرمودند:

« کسی که بدون بصیرت و دانایی به کاری دست می‌زند مانند مسافری است که در بیراهه می‌رود، او هر قدر بر سرعت رفتن خود می‌افزاید به همان نسبت از جاده دورتر می‌شود» (بحارالانوار، ج ۱: ۲۰۶).
 بر مبنای چنین اندیشه‌ای است که مقام معظم رهبری بارها در مناسبت‌های گوناگون بر کسب بصیرت و ارتقای آن تأکید کرده و فرمودند:

« [علت اینکه] من در طول چند سال گذشته همیشه بر روی بصیرت تأکید کرده‌ام، به خاطر این است که یک ملتی که بصیرت دارد، مجموعه‌ی جوانان یک کشور وقتی بصیرت دارند، آگاهانه حرکت می‌کنند و قدم برمی‌دارند، همه‌ی تیغ‌های دشمن در مقابل آنها کند می‌شود. بصیرت این است. بصیرت وقتی بود، غبار آلودگی فتنه نمی‌تواند آنها را گمراه کند، آنها را به اشتباه بیندازد. اگر بصیرت نبود، انسان ولو با نیت خوب، گاهی در راه بد قدم می‌گذارد. شما در جبهه‌ی جنگ اگر راه را بلد نباشید، اگر نقشه‌خوانی بلد نباشید، اگر قطب‌نما در اختیار نداشته باشید، یک وقت نگاه می‌کنید می‌بینید در محاصره‌ی دشمن قرار گرفته‌اید؛ راه را عوضی آمده‌اید، دشمن بر شما مسلط می‌شود. این قطب‌نما همان بصیرت است. در زندگی پیچیده‌ی اجتماعی امروز، بدون بصیرت نمی‌شود حرکت کرد. جوان‌ها باید فکر کنند، بیندیشند، بصیرت خودشان را افزایش بدهند. معلمان روحانی، متعهدان موجود در جامعه‌ی ما از اهل سواد و فرهنگ، از دانشگاهی و حوزوی، باید به مسئله‌ی بصیرت اهمیت بدهند؛ بصیرت در هدف، بصیرت در وسیله، بصیرت در شناخت دشمن، بصیرت در شناخت موانع راه، بصیرت در شناخت راه‌های جلوگیری از این موانع و برداشتن این موانع؛ این بصیرت‌ها لازم است. وقتی بصیرت بود، آن وقت شما می‌دانید با کی طرفید، ابزار لازم را با خودتان برمی‌دارید» (بیانات در دیدار عمومی مردم چالوس و نوشهر ۱۳۸۸/۰۷/۱۵).

تاریخ اسلام در زمان معصومین به ویژه امام علی(ع) و امام حسن(ع)، بیانگر آن است که فقدان بصیرت و هوشیاری مردمان آن عصر باعث ایراد ضربه‌های سنگینی بر پیکر اسلام شد. بنابراین، اگر انسان در مواجهه با حوادث و مسائل جامعه و دنیای پیرامون خود برخوردی عمیق و نگاهی ژرف اندیشانه داشته باشد و از سطحی نگری و ساده انگاری فاصله بگیرد، می‌تواند عمق مسائل و حوادث را با تیزبینی و زیرکی درک کرده و حقایق و واقعیت‌ها را خوب تشخیص دهد:

«دشمن پیچیده است و در مواجهه با انقلاب و ملت ایران، مرموزانه عمل می‌کند. غالباً لباس دشمنی نمی‌پوشد؛ بلکه با چهره‌ی نفاق، دورویی، فریب، تبلیغات، شایعه‌پراکنی، ایجاد دل‌سردی و زنده کردن انگیزه‌های گوناگون قومی و تاریخی و فرقه‌یی، جلو می‌آید. به همین خاطر، با دشمن باید هوشیارانه برخورد کرد... اگر مردم هوشیار نباشند، همان بلایی بر سرشان خواهد آمد که بر سر مردم مسلمان در دوره‌ی امام حسن(ع) و بعضی از دوره‌های دیگر آمد. در آن زمان، چون مردم هوشیار و آگاه نبودند، جریان حق شکست خورد... موقعیت‌ها را بدرستی درک کنید» (سخنرانی در مراسم بیعت جمع کثیری از عشایر عرب خوزستان و مردم نجف آباد ۱۳۶۸/۰۳/۱۹).

در هم کوبیده شدن فتنه سال ۱۳۸۸ در ایران اسلامی که بی‌گمان یکی از پیچیده‌ترین برنامه‌های دشمنان برای ساقط کردن نظام جمهوری اسلامی بود، گواه بر بصیرت و هوشیاری مردم بود که آنها با درک و فهم درستی از اوضاع و احوال و آنگاه خلق حماسه ۹ دی در همان سال، طرح‌ها و شگردهای فریب کارانه نظام استکباری را خنثی کردند.

۴. گرایش به ساده زیستی

یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌ها در عرصه حیات که باعث می‌شود آدمی به کمال نرسد، دلبستگی به دنیا است. وابستگی و دلبستگی به دنیا، مانع تکامل آدمی است. اگر بر روح آدمی این خصوصیت حاکم شود، نه تنها تمامی ارزش‌ها و آرمان‌ها را تحت الشعاع قرار می‌دهد و از درخشش آن می‌کاهد، بلکه همچون ریسمانی دست و پای او را برای رسیدن به هدف بالاتر می‌بندد. برای رهایی از این زنجیر اسارت چه باید کرد؟ مهم‌ترین عامل برای رهایی از جلوه‌های فریبنده دنیا و مظاهر مادی، زهد و پارسایی و ساده‌زیستی است. زهد، عبارت است از دل برکندن و روی برگرداندن از علایق دنیوی و بی‌رغبتی و بی‌توجهی به هر چه که آدمی را از یاد خدا باز می‌دارد (کاظم‌زاده قمی، ۱۳۷۶: ۲۸۳). زهد، بی‌رغبتی به دنیا، دل نیستن به مال و منال دنیوی، ترک تعلق روحی به جاه و جبروت قدرت‌های اجتماعی و ساده زیستن است. امام علی(ع) در باب زهد می‌فرماید: «أُمَّهَا النَّاسُ الزَّهَادَةُ قِصْرُ الْأَمَلِ (نهج البلاغه، خطبه ۸۱): ای مردم، زهد یعنی کوتاه کردن آرزو».

انسانی که زندگی زاهدانه و ساده‌گرایانه‌ای را در پیش بگیرد، با روحی قانع و بی‌توجه به زخارف دنیا هرگز در دام‌هایی که دیگران گرفتار می‌شوند، گام نمی‌گذارد و به وسوسه‌های راحت طلبی و رفاه‌جویی تن نمی‌دهند. چرا که با زندگی اشرافی و مصرفی، دل بستن به جلوه‌های فریبنده دنیا و مظاهر مادی و روی آوردن به تجمل نمی‌توان از ارزش‌های اسلامی صیانت کرد.

مقام معظم رهبری با تأکید بر اینکه زندگی اشرافی‌گری و تجمل‌گرایانه تأثیر منفی در زندگی اجتماعی داشته (بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۱۳۷۸/۱۰/۰۴) و عاملی بازدارنده در پرداختن به امور مهم و اساسی کشور می‌شود (پیام به ملت ایران ۱۳۷۷/۱۱/۲۱)، میل به زندگی مرفانه و مسرفانه را موجب چشم‌پوشی از ارزش‌های اخلاقی و انقلابی، سازش کاری و تسلیم در برابر زورگویی قدرت‌های جهانی و غفلت از توطئه‌ی استکبار و بی‌اعتنایی به پیام جهانی انقلاب دانسته و خطاب به همگان فرمودند:

«آن روزی که خدای نخواستہ جمهوری اسلامی، رفاه و آبادی را هدف عمده‌ی خویش قرار داده و در این راه حاضر به چشم‌پوشی از آرمان‌های انقلابی و جهانی و فراموشی از پیام جهانی انقلاب شود، روز انحطاط و زوال همه‌ی امیدها خواهد بود... برخورداری از ارزش‌های اخلاقی اسلام، بدین معنی است که روح فضیلت و پرهیزکاری و وارستگی و بردباری و اجتناب از شهوات ممنوع و دوری از حرص و آز و دنیاطلبی و حق‌کشی و نامردمی و مال‌اندوزی و روی آوردن به خلوص و پاکی و پارسایی و دیگر خصلت‌های اخلاقی در جامعه رواج یابد و به صورت ارزش‌های اصلی به حساب آید» (پیام به ملت ایران، در پایان چهلمین روز ارتحال امام خمینی(ره) ۱۳۶۸/۰۴/۲۳).

مقام معظم رهبری با توجه به اهمیت زهد در زندگی، ضمن توصیه به همگان در جهت حرکت به سمت زهد و پارسایی در زندگی فردی و اجتماعی با الگوگیری از امام علی(ع) (بیانات در دیدار با اقشار مختلف مردم ۱۳۷۰/۰۱/۲۶)، گرایش به زندگی تجملانه را که اسراف و زیاده‌روی، تضییع سرمایه‌ها و اموال و بدآموزی را به همراه دارد، دوش‌شان انسان والا و آفات ارزش‌ها دانسته و فرمودند:

«فضا را، فضای تجملاتی و تجمل‌گرایی و عادت کردن به تجمل قرار ندهیم؛ چون امروز اگر این روحیهی تجمل‌گرایی در جامعه‌ی ما رواج پیدا کند... بسیاری از مشکلات اقتصادی و اجتماعی و اخلاقی کشور اصلاً حل نخواهد شد. تجمل‌گرایی و گرایش به اشرافی‌گری در زندگی، ضررها و خطرهای زیادی دارد: هیچ وقت عدالت اجتماعی تأمین نخواهد شد؛ هیچ وقت روحیهی برادری و الفت و انس و همدلی ... پیش نخواهد آمد» (بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۱۳۷۸/۱۰/۰۴).

۵. اهتمام به فرضیه امر به معروف و نهی از منکر

«امر»، خواستن انجام کاری است قاطعانه از کسی، و «نهی»، منع کردن کسی است قاطعانه از انجام کاری. «معروف» آنچه به وسیله عقل و شرع تصویب شود و «منکر» چیزی است که عقل سلیم آن را مردود و ناپسند بداند. به تعبیر دیگر معروف «باید»های اجتماع انسان‌ها و منکر «نباید»های اجتماع انسان‌ها قلمداد می‌شود (فایضی، ۱۳۷۸: ۱۲۳). به عبارت دیگر، هر کاری را که دین و عقل نیکو بشناسد، معروف است. منکر نیز چیزی است که بر پایه نقل و عقل زشت و ناشناخته باشد (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۵۰۴). مقام معظم رهبری نیز در تعریف و مصادیق این فرضیه مهم فرمودند: امر به معروف، یعنی دیگران را به کارهای نیک امر کردن. مانند: احسان به فقرا، صدقه، رازداری، محبت، همکاری، کارهای نیک، تواضع، حلم، صبر. نهی از منکر، یعنی دیگران را از کارهای بد نهی کردن. مانند: ظلم کردن، تعرض کردن، تجاوز به دیگران، اموال عمومی را حیف و میل کردن، دست درازی به نوامیس مردم، غیبت کردن، دروغ گفتن، نمایی کردن، توطئه کردن، علیه نظام اسلامی کار کردن، با دشمن اسلام همکاری کردن (بیانات در دیدار مسؤولان و کارگزاران نظام ۱۳۷۹/۰۴/۱۹).

قرآن کریم، فلاح و رستگاری جامعه اسلامی را در دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر می‌داند و گروه‌های ویژه‌ای را به اجرای این مهم موظف می‌سازد (سوره آل عمران، آیه ۱۰۳). چرا که سالم سازی و تأمین امنیت جامعه و تهذیب و تربیت اخلاقی مردم در سایه این فریضه مهم تأمین می‌شود. به همین دلیل است که امام حسین(ع) هدف از قیام خویش را اصلاح جامعه به وسیله امر به معروف و نهی از منکر بیان کرده و فرمودند: «إِنِّي مَا خَرَجْتُ أَشْرًا وَلَا بَطْرًا وَلَا مُفْسِدًا وَلَا ظَالِمًا، إِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلْبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِي. أُرِيدُ أَنْ أَمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهِيَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (بحارالانوار، ج ۴۴، باب ۳۷، ح ۲).

مقام معظم رهبری با تأکید بر اینکه امر به معروف و نهی از منکر یکی از ارکان اساسی اسلام و ضامن برپاداشتن همه‌ی فرایض اسلامی است که باید در جامعه اجبا شود و هر فردی از احاد مردم، خود را در

گسترش نیکی و صلاح و برچیده شدن زشتی و گمراهی و فساد، مسؤول احساس کند (پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره) ۱۳۶۹/۰۳/۱۰)، در مناسبتی دیگر در این باره فرمودند:

«یکی از نوترین، شیرین‌ترین، کارآمدترین و کارسازترین شیوه‌های تعامل اجتماعی، همین امر به معروف و نهی از منکر است... این همکاری کردن است؛ این نظارت عمومی است؛ این کمک به شیوع خیر است؛ این کمک به محدود کردن بدی و شر است؛ کمک به این است که در جامعه‌ی اسلامی، گناه، همیشه گناه تلقی شود. بدترین خطرها این است که یک روز در جامعه، گناه به‌عنوان ثواب معرفی شود؛ کار خوب به‌عنوان کار بد معرفی شود و فرهنگ‌ها عوض شود. وقتی که امر به معروف و نهی از منکر در جامعه رایج شد، این موجب می‌شود که گناه در نظر مردم همیشه گناه بماند و تبدیل به ثواب و کار نیک نشود» (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۷۹/۰۹/۲۵).

در نگاه مقام معظم رهبری، قوام و استواری احکام الهی و شعائر قرآنی و بقای آنها در گروه برپا بودن این فریضه الهی است و غفلت از آن موجب کم رنگ شدن ارزش‌ها و یا جابجا شدن نیک و بد خواهد بود (بیانات در دیدار مسؤولان و کارگزاران نظام ۱۳۷۹/۰۴/۱۹).

۶. مقید بودن بانوان به پوشش مناسب

یکی دیگر از عوامل مؤثر در حفظ و توسعه ارزش‌ها، مقید بودن زنان به پوشش مناسب است. «پوشش» از نظر لغوی به معنای پوشاندن چیزی است و اصولاً هر چیزی که روی چیز دیگر را بپوشاند، «پوشاک» می‌باشد (فرهنگ فارسی عمید). پوشش مناسب نیز پوششی است که شامل آراستگی، وقار و نظم در ظاهر می‌باشد (زاهدین لباف، ۱۳۸۹: ۱۳۰).

بی‌شک پوشش و لباس مردم در هر جامعه‌ای، برخاسته از عرف، دین و قانون خاص آن جامعه می‌باشد که می‌توان تحت عناوین پوشش عرفی، دینی و قانونی از آن یاد کرد.

۱- پوشش عرفی: «عرف» قاعده‌ای است که به تدریج و خود به خود میان همه مردم یا دسته‌ای از آنها به عنوان قاعده‌ای الزام‌آور مرسوم شده است (کاتوزیان، ۱۳۵۳: ۳۲).

۲- پوشش دینی: این نوع پوشش برگرفته از احکام دین و شرع است و هر یک از ادیان و مذاهب، بر مبنای اعتقادات خود، حدود آن را معین می‌نمایند. در برخی موارد پوشش عرفی و شرعی با هم منطبق می‌باشند.

۳- پوشش قانونی: این پوشش معمولاً در مورد کارکنان دولتی و سازمان‌های خاص مورد استفاده است که گاه به شکل لباس‌های متحدالشکل در کارخانه‌ها، ارتش، نیروی دریایی و... و گاهی به شکل قوانین پوششی در دانشگاه‌ها، محیط‌های اداری و... به چشم می‌خورد (زاهدین لباف، ۱۳۸۹: ۱۳۱).

شاید در اینجا این سؤال مطرح شود که چرا یکی از عوامل مؤثر در حفظ ارزش‌ها، پوشش مناسب صرفاً از سوی زنان مطرح شد. در پاسخ به این سؤال می‌توان گفت اولاً: «مسأله‌ی حجاب و محرم و نامحرم و نگاه کردن و نگاه نکردن، همه به خاطر این است که قضیه‌ی عفاف در این بین سالم نگه داشته شود. اسلام به مسأله‌ی عفاف زن اهمیت می‌دهد. البته عفاف مرد هم مهم است. عفاف مخصوص زنان

نیست؛ مردان هم باید عقیف باشند. منتها چون در جامعه، مرد به خاطر قدرت جسمانی و برتری جسمانی، می‌تواند به زن ظلم کند و برخلاف تمایل زن رفتار نماید، روی عفت زن بیشتر تکیه و احتیاط شده است» (بیانات در همایش بزرگ خواهران در ورزشگاه آزادی ۱۳۷۶/۰۷/۳۰). در ثانی، فلسفه پوشش، مربوط به صیانت فرد و اجتماع از مفاسد بوده و عدم رعایت آن منجر به بهم ریختن وضع خانواده‌ها از یک طرف و وقوع جرم‌ها و جنایت‌های اجتماعی از طرف دیگر می‌شود. در واقع آنچه باعث حرص شهوانی می‌شود، رفتارهای تحریک آمیز و پوشش‌های غیرعقیفانه‌ی زن است، نه ممنوعیت‌های منطقی و محدودیت‌های مصونیت آفرین مثل حجاب و وجود حریم میان زن و مرد. قرآن کریم می‌فرماید: «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ...» (سوره نور، آیه ۳۱).

«و به زنان با ایمان بگو دیدگان خود را [از هر نامحرمی] فرو بندند و پاکدامنی ورزند و زیورهای خود را آشکار نگردانند مگر آنچه که طبعاً از آن پیداست و باید روسری خود را بر سینه خویش [فرو] اندازند و زیورهایشان را آشکار نکنند، مگر برای شوهران و...»

از این آیه نکات زیادی به دست می‌آید و فقط به این قسمت از آیه «وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ» اشاره شود که می‌فرماید: زنان باید خماره و سرپوش‌های خود را بر روی سینه انداخته و حائل قرار دهند. «خُمُر» جمع خمار به معنای پوشش است که زنان سر و موی خود را با آن می‌پوشانند و «جیوب» جمع جیب به معنای گریبان و سینه است. آنچه از این کلام به دست می‌آید این است که زنان عرب قبل از نزول آیه، معمولاً لباس‌هایی می‌پوشیدند که یقه پیراهن و گریبان‌های شان باز بود، به طوری که گردن و کمی از سینه آنان نمایان می‌شد. از طرفی دامنه پوشش‌هایی را که آن، سر و موی خود را می‌پوشانند نیز به شانه یا پشت سر می‌انداختند؛ به طوری که گوش‌ها و بنا گوش‌ها و گوش‌ها و گوشواره‌ها آشکار می‌شد. لذا آیه مورد بحث نازل شد که زنان باید پوشش‌های سر خود را از دو طرف روی گریبان و سینه خود بیفکنند تا تمام قسمت‌هایی که نمایان شده، پوشیده گردد (تفسیر المیزان و تفسیر نمونه، ذیل آیه).

یکی از مهم‌ترین شئون زندگی انسان، منزلت اجتماعی اوست که با عوامل گوناگونی، از جمله چگونگی حضور در جامعه به‌ویژه از لحاظ ظاهری و نوع پوشش در ارتباط است. انسان‌ها در پناه محافظت، احساس آرامش می‌کنند و هر چه محافظ و پوشش کامل‌تر شود، درصد امنیت و حفاظت نیز بالاتر می‌رود. در عصر حاضر، رعایت پوشش اسلامی از سوی زنان و دختران در اجتماع، علاوه بر آنکه دلالت بر پای بندی نسبت به احکام شرع و اطاعت از دستورات الهی دارد، بلکه یکی از عوامل اساسی در حفظ ارزش‌های اسلامی و باورهای دینی است که می‌تواند در راه مبارزه با تهاجم فرهنگی دشمنان و دفاع از عقاید اسلامی جامعه مؤثر باشد. چرا که یکی از شگردهای استعمارگران در طول تاریخ علیه مسلمانان، مقابله با حجاب و عفاف زنان مسلمان و به عبارتی «توطئه کشف حجاب» بوده است. برای نمونه می‌توان از آتاتورک در ترکیه و رضاخان پهلوی در ایران به‌عنوان مهره‌های استعمار نام برد که توطئه کشف حجاب را عملی ساختند. یکی از جاسوسان انگلیسی به نام مستر همفر در کتاب خاطرات سیاسی خود به

این نکته اشاره می‌کند و می‌گوید: «پس از آن که زنان را از چادر و عبا بیرون آوردیم، باید جوانان را تحریک کنیم که دنبال آنان بیفتند تا در میان مسلمانان فساد رواج یابد» (همفر، ۱۳۸۰: ۱۵۳) بر پایه چنین توطئه‌هایی است که مقام معظم رهبری مسأله حجاب را یکی از مسأله‌های ارزشی اسلام نام برده و چادر را بهترین نوع حجاب معرفی کرد و فرمودند:

«ما که روی حجاب این قدر مقیدیم، به خاطر این است که حفظ حجاب به زن کمک می‌کند تا بتواند به آن رتبه‌ی معنوی عالی خود برسد و دچار آن لغزشگاه‌های بسیار لغزنده‌ی که سر راهش قرار داده‌اند، نشود... به نظر ما، بحث‌هایی که در باب پوشش زن می‌شود، بحث‌های خوبی است که انجام می‌گیرد؛ منتها باید توجه کنید که هیچ بحثی در این زمینه‌های مربوط به پوشش زن، از هجوم تبلیغاتی غرب متأثر نباشد؛ اگر متأثر از آن شد، خراب خواهد شد. مثلاً بیاییم با خودمان فکر کنیم که حجاب داشته باشیم، اما چادر نباشد؛ این فکر غلطی است. نه این که من بخواهم بگویم چادر، نوع منحصر است؛ نه، من می‌گویم چادر بهترین نوع حجاب است؛ یک نشانه‌ی ملی ماست؛ هیچ اشکالی هم ندارد؛ هیچ منافاتی با هیچ نوع تحرکی هم در زن ندارد. اگر واقعاً بنای تحرک و کار اجتماعی و کار سیاسی و کار فکری باشد، لباس رسمی زن می‌تواند چادر باشد و چادر بهترین نوع حجاب است» (بیانات در دیدار با اعضای شورای فرهنگی، اجتماعی زنان ۱۳۷۰/۱۰/۰۴).

۷. استقامت و پایداری

استقامت و پایداری، یکی از مهم‌ترین عامل در دفاع از ارزش‌ها و جهت‌گیری‌های انقلاب اسلامی است. این عامل از چنان جایگاهی برخوردار است که خداوند متعال، پیامبر خود را به آن امر می‌کند و تأکید می‌فرماید که اگر استقامت نداشته باشد، نمی‌تواند از پس مأموریت خود بر آید (سوره هود، آیه ۱۱۲).

زندگی پیامبران با استقامت و پایداری در دعوت و رسالت عجین است که برای نمونه می‌توان به سرگذشت حضرت ابراهیم و پرتاب او به آتش و تبدیل شدن آن به گلستان (سوره انبیاء، آیات ۷۰-۵۷) و قربانی کردن فرزند خود و استقامت و پایداری او و فرزندش در این امر (سوره صافات، آیات ۱۰۹-۱۰۰) و همچنین سرگذشت حضرت یعقوب و استقامت او در حزن و فراق فرزندش یوسف (سوره یوسف) اشاره کرد. به همین دلیل خدای متعال یکی از صفات بارز پیامبران اولوالعزم را صبر، استقامت و تحمل دشواری‌ها در راه خدا معرفی کرده و به پیامبر خاتم(ص) می‌فرماید: «پس همان‌گونه که پیامبران اولوالعزم صبر کردند، صبر کن» (سوره احقاف، آیه ۳۵).

زندگی آدمی همواره در معرض حوادث و بلایای ناگوار است و از آن گریزی نیست. بیماری‌ها، آسیب‌های جسمی، خسارت‌های مالی، محدودیت‌ها، جنگ و ستیز و... بخش‌های متنوع و رنگارنگی از سرگذشت اجتناب ناپذیر بشر است. در برخی از این پیشامدها که البته به طور قهری و بدون میل و اراده انسان در زندگی او رخ می‌نماید، هرگونه عکس‌العملی از مردم بروز می‌کند. بعضی در برابر مصیبت و مشکلات مقاومت خود را از دست داده و دچار شکستگی روحی می‌شوند و گروهی دیگر، بار مصائب و شدائد را تحمل کرده و خود را از هنگامه آن سربلند خارج می‌کنند.

مقام معظم رهبری با تأکید بر این که استقامت و پایداری در خط مستقیم الهی، علاج مشکلات کشور است، فرمودند:

«هرجا ما تقوا پیشه کردیم، صبر کردیم و ایستادگی نشان دادیم، خدای متعال اجر ما را ضایع نکرد؛ اما هرجا وادادگی نشان دادیم، ضربه خوردیم و آنجا اختلال به وجود آمد؛ الان هم همین‌طور است. خدای متعال به پیغمبرش فرمود: «فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتُ» استقامت، یعنی در همین خط مستقیم پایداری کردن و پافشاری کردن و زاویه‌ای ایجاد نکردن؛ علاج مشکلات کشور ایران همین است و من و شما باید به این نکته توجه کنیم» (دیدار مسؤولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۳۸۲/۰۵/۱۵).

معظم له، در جای دیگر نیز رشد و پیشرفت کشور را در سایه ایستادگی و استقامت بر پایه‌ی ارزش‌ها یاد نموده و تأکید فرمودند:

«پیشرفت‌های ما در همه‌جا، ناشی از ایستادگی و استقامت بر پایه‌ی ارزش‌ها بوده است؛ هرجا که استقامت کردیم و بر میانی خودمان پافشاری کردیم و از آن کوتاه نیامدیم و در مقابل تهدیدها خودمان را نباختیم، آنجا پیشرفت کرده‌ایم. این ایستادگی و پایداری، مهم‌ترین چیزی است که ما می‌توانیم آن را وسیله قرار دهیم برای رسیدن به اهداف مان. و البته باید شجاعت انقلابی را هم حفظ کنیم. آن انقلابی که در مقابل تهدید دشمنان انقلاب خود را عقب می‌کشد و پس می‌زند و می‌ترسد، نه مورد احترام دوست قرار می‌گیرد، نه مورد احترام دشمن؛ هیچ‌کس به یک ملت بزدل و ضعیف رحم نمی‌کند. آن انقلاب و حرکتی که در مقابل دشمنان خودش ضعف نشان بدهد، اول، آبرویش را می‌برد؛ حرمتش را می‌شکنند، بعد خودش را هم نابود و جارو می‌کنند و از بین می‌برند» (بیانات در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۸۳/۰۶/۳۱).

۸. سپردن مسئولیت به نیروهای ارزشی

انسان همواره دارای اعتقادهایی است که با برخی از عقاید اصولی دیگران در تضاد کامل قرار می‌گیرد. تقسیم‌بندی افراد به نیروهای ارزشی و غیر ارزشی و یا خودی و غیرخودی در مسائل مهم حیات اعتقادی، اجتماعی و سیاسی امری ضروری و غیرقابل انکار است. بدیهی است هر کشوری که بخواهد بر پایه استقلال، آزادی و استکبار ستیزی، حرکت کند، دشمنانی از درون و برون خواهد داشت که نسبت به آن ملت، غیرخودی به حساب می‌آیند. عموم مردم، درصدد ارتقا و پیشرفت خویش و کشور خویشند و اگر سخن از نیروهای غیر ارزشی به میان می‌آید، منظور کسانی هستند که یا به صراحت و آشکار در مقابل اهداف ملت و اسلام ایستاده‌اند و یا دستخوش فریب دشمنان شده و غیرمستقیم در زمره غیرارزشی‌ها درآمده‌اند. تاریخ اسلام نشانگر این واقعیت است که بیشترین ضربه را به اسلام کسانی وارد کرده‌اند که خود را مسلمان می‌نامیدند، اما از حقیقت و ناب بودن اسلام خویش تهی بودند، حتی همه آنان که دست به قتل امامان معصوم علیهم‌السلام زدند و یا منافقینی که در اوایل پیروزی نظام اسلامی در مقابل انقلاب ایستادند، جملگی «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» را بر زبان جاری می‌کردند، اما بزرگ‌ترین ضربه را بر پیکر دین و

انقلاب وارد ساختند. بنابراین، نیروی ارزشی کسی است که به اندیشه‌های رهبری و مبارزه با دشمنان انقلاب، التزام عملی داشته باشد و در راستای اهداف انقلاب و ملت حرکت نماید.

در قرآن کریم، آیاتی را می‌توان یافت که اشاره به نیروهای ارزشی دارد. «ابراهیم و آنان که با او بودند الگویی خوب برای شمایند، آنها به قوم خود گفتند ما از شما و از آنچه غیر از خدا می‌پرستید بیزاریم؛ به شما کفر ورزیدیم و بین ما و شما عداوت و دشمنی برای همیشه آشکار است...» (سوره ممتحنه، آیه ۴). «ای کسانی که ایمان آورده‌اید از غیر خودتان [دوست و] همراز مگیرید [آنان] از هیچ نابکاری در حق شما کوتاهی نمی‌ورزند آرزو دارند که در رنج بیفتید دشمنی از لحن و سخن‌شان آشکار است و آنچه سینه‌هایشان نهان می‌دارد بزرگ‌تر است در حقیقت ما نشانه‌ها [ی دشمنی آنان] را برای شما بیان کردیم اگر تعقل کنید» (سوره آل عمران، آیه ۱۱۸). همچنین در سوره‌ای دیگر می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَسْبُكَ اللَّهُ وَ مَنْ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ» (سوره انفال، آیه ۶۴) «ای پیامبر! خداوند و مؤمنانی که از تو پیروی می‌کنند برای حمایت تو کافی هستند». در نظر علامه طباطبایی این آیه در مقام آرامش و برای تقویت روحیه رسول خدا(ص) است و اشاره دارد که ای رسول ما، خدا تو را به یاری خودش و به وسیله کسانی از مؤمنان که پیرویت کردند از شر دشمنان کفایت می‌کند و با کمک آنها می‌توانی به هدف خود نائل شوی (تفسیرالمیزان، ج ۹: ۱۶۰).

در عصر حاضر این آیات شریفه به همه مسئولین نظام می‌فهماند که در راه رسالت‌های الهی پس از خدا، به نیروهای خودی و پتانسیل‌های نهفته در میان خود تکیه کنید که همین‌ها برای شما کافی است. به تعبیری این آیات شریفه، این پیام را دارند که اگر از یاران و نیروهای ارزشی و انقلابی خود غفلت کرده و چشم به دستان دیگران بدوزید، شکست شما رقم خواهد خورد. این چنین است که امام راحل(ره) در وصیت نامه سیاسی - الهی فرمودند:

«من در میان شما باشم و یا نباشم به همه شما وصیت و سفارش می‌کنم که نگذارید انقلاب به دست ناهلان و نامحرمان بیفتد».

و مقام معظم رهبری نیز فرمودند:

«بیشترین امید، اعتماد و تکیه‌ی ما به نیروهای ذاتی و درونی ایران اسلامی عزیز است. جوانان ما و مغزهای متفکر و دست‌های ماهر و روح‌های بزرگ سازنده و مبتکر خود ما هستند که باید ما را مجهز کنند ... تکیه‌ی اصلی ما به نیروهای خودی است» (بیانات در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام در روز عید سعید غدیر خم ۱۳۸۰/۱۲/۱۲).

بی شک پیروزی انقلاب اسلامی مرهون رهبری پیامبرگونه امام خمینی(ره) و مجاهدت‌های خالصانه جوانان ایران زمین است که برای احیای دین خدا و ارزش‌های اسلام دست از پا نشناخته و از نثار جان، مال و آبروی خود دریغ نکرده‌اند. از این رو، مسئولیت‌ها باید به این دسته از افراد که همچنان در پاسداری از ارزش‌ها تحت تبعیت ولی فقیه، محکم و استوار ایستاده‌اند، سپرده شود:

«یگانه نجات بخش کشور و ملت از شر سلطه‌ی دشمنان و جباران و از شر فقر و جهل - که میراث شوم طواغیت است - رعایت ارزش‌های اسلامی و عدل اسلامی و تکیه بر استعداد‌های انسانی این ملت و نیروهای خالص و مخلص آن است؛ و هم این است که کشور را از وابستگی به بیگانگان و نیاز به دشمنان نجات خواهد داد» (بیانات در جمع پرسنل پایگاه هوایی شهید بابایی اصفهان ۱۳۷۱/۰۷/۱۸).

۹. دشمن شناسی

نگرش به سرگذشت ملت‌ها و سرنوشت واحدهای سیاسی این موضوع را روشن می‌سازد که رمز پیروزی و کامیابی ملت‌ها و واحدهای سیاسی، بی‌شک مرهون آگاهی و شناخت آنان از قدرت و توانایی طرف مقابل یعنی، دشمن می‌باشد. از این رو، دشمن شناسی از جایگاه مهمی در عرصه گوناگون جامعه به ویژه در حفظ و حراست از ارزش‌ها برخوردار است.

اسلام به مسأله دشمن شناسی توجه‌ی خاص کرد به گونه‌ای که خداوند منان در قرآن کریم با معرفی دو دشمن درونی و بیرونی، بر لزوم شناخت و مقابله با آن تأکید نموده است (فاطر، آیه ۶؛ یوسف، آیه ۵؛ منافقون، آیه ۴ و طه، آیه ۸۰). پیامبر اسلام (ص) نیز فرمودند:

«آگاه باشید! عاقل‌ترین مردم کسی است که خدایش را بشناسد و از او پیروی کند و دشمنش را نیز بشناسد و آنگاه نافرمانیش کند» (بحارالانوار، ج ۷۴ : ۱۸۱).

مقام معظم رهبری با الهام از اندیشه‌های الهی، با تأکید بر اینکه «یک ملت باید دشمن را بشناسد، نقشه‌ی دشمن را بداند و خود را در مقابل آن مجهز کند» فرمودند:

«ما دو دشمن داریم: یک دشمن، دشمن درونی است؛ یک دشمن، دشمن بیرونی است.

دشمن درونی خطرناک‌تر است. دشمن درونی چیست؟

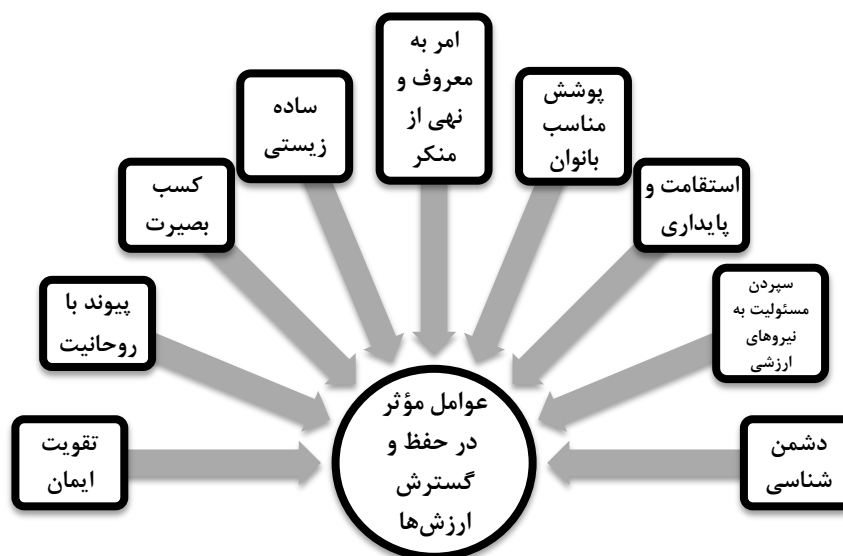
دشمن درونی خصلت‌های بدی است که ممکن است ما در خودمان داشته باشیم. تنبلی، نشاط کار نداشتن، ناامیدی، خودخواهی‌های افراطی، بدبین بودن به دیگران، بدبین بودن به آینده، نداشتن اعتماد به خود - نه به شخص خود و نه به ملت خود - اینها بیماری است. اگر این دشمن‌های درونی در ما وجود داشته باشد، کار ما مشکل می‌شود...

ب- دشمن بیرونی. دشمن بیرونی ما عبارت است از نظام سلطه‌ی بین‌المللی؛ یعنی همان چیزی که به او می‌گوییم استکبار جهانی. استکبار جهانی و نظام سلطه، دنیا را به سلطه‌گران و سلطه‌پذیران تقسیم می‌کند. اگر ملتی بخواهد در مقابل سلطه‌گران از منافع خود دفاع کند، سلطه‌گران با آن ملت دشمنی می‌کنند؛ روی او فشار می‌آورند و سعی می‌کنند مقاومت او را در هم بشکنند. امروز مظهر این دشمنی عبارت است از شبکه‌ی صهیونیسم جهانی و دولت کنونی ایالات متحده‌ی امریکا» (بیانات در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی ۱۳۸۶/۱/۱).

امروزه، دشمن شناسی دانشی است از ضروری‌ترین دانش‌ها. چرا که هر روز دشمنان روشی را در پیش می‌گیرند و شیوه‌ای را دنبال می‌کنند؛ گاه از ابزار اقتصادی و سیاسی استفاده می‌کنند و گاه از ابزار نظامی یا فرهنگی، هر روز یکی از این ابزارها را به کار می‌گیرند و هرکس و یا هر کشور را با سلاح متناسب با خویش شکار می‌کنند. پس شناخت دشمن از ضروریات هر مبارزه و استمرار حیات بشمار می‌آید و هر

کشوری که از توجه به این اصل مهم غافل شود، با تهدیدات گوناگون دشمنان مواجه خواهد شد، در آن صورت؛ نه تنها نخواهد توانست مدت مدیدی ادامه حیات داده و ارزش‌های خود را حفظ کند، بلکه عزت و اقتدار خویش را از دست خواهد داد و تحت سیطره آنان گرفتار خواهد شد. بنابراین، آگاهی و هوشیاری در برابر دشمن مهم است.

«دشمن درصدد نفوذ است. هر پنجره‌ای پیدا کند، وارد خواهد شد؛ هوشیاری‌تان را بیشتر کنید»
(بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان ۱۳۷۸/۰۴/۲۱).



مدل مفهومی عوامل مؤثر در حفظ و گسترش ارزش‌های انقلاب اسلامی

نتیجه‌گیری

بی تردید پویایی معنوی و سیاسی یک جامعه به حضور بالنده ارزش‌های دینی و ملی پذیرفته شده در آن جامعه و میزان پابندی افراد جامعه به آنها بستگی دارد. زیرا بهترین راه سالم سازی و افزایش آمادگی جامعه در برابر توطئه‌ها و نفوذ دشمن، تلاش برای حفظ، درونی سازی و گسترش ارزش‌ها در زندگی فردی و اجتماعی است.

دین، ایمان، استقلال سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، انسان‌های برخوردار از دین و تقوا در رأس کارها (۱۳۷۹/۲/۲۳) ساده‌زیستی مسئولان و دوری از تجمل‌گرایی (۱۳۹۱/۶/۲)، استکبارستیزی، سلطه‌ستیزی، دفاع از مظلومان جهان، نفی سلطه‌پذیری، نفی نفوذ و دخالت قدرت‌های مسلط دنیا در کشور، ایستادگی در مقابل دشمن، عدالت، کرامت انسانی، سعی برای ایجاد برادری و برابری، معنویت، اخلاق (۱۳۸۷/۹/۲۴)

و... از جمله ارزش‌های انقلاب اسلامی هستند که مقام معظم رهبری در مناسبت‌های گوناگون بر آن تأکید داشته‌اند. در این راستا ایشان تقویت ایمان و باورهای دینی، تقویت پیوند با روحانیت، کسب و افزایش بصیرت، گرایش به ساده زیستی، اهتمام به فریضه امر به معروف و نهی از منکر، مقید بودن بانوان به پوشش مناسب، استقامت و پایداری، سپردن مسئولیت به نیروهای ارزشی و دشمن شناسی را به‌عنوان عوامل مؤثر در حفظ و گسترش این ارزش‌های یاد کردند. بنابراین، ضرورت دارد، بنا به توصیه امام علی(ع) که فرمودند: «مَنْ نَأَمَ لَمْ يُنَمَّ عَنْهُ»: اگر کسی بخوابد باید بداند که دشمنش خوابیده است (نهج‌البلاغه، فرازی از نامه ۶۲) و نیز این تأکید امام راحل(ره) که فرموده است:

«نکته مهمی که همه ما باید به آن توجه کنیم و آن را اصل و اساس سیاست خود با بیگانگان قرار دهیم، این است که دشمنان ما و جهان‌خواران تا کی و تا کجا ما را تحمل می‌کنند و تا چه مرزی استقلال و آزادی ما را قبول دارند. به یقین آنان مرزی جز عدول از همه هویت‌ها و ارزش‌های معنوی و الهی‌مان نمی‌شناسند. به گفته قرآن کریم هرگز دست از مقابله و ستیز با شما برنمی‌دارند، مگر اینکه شما را از دین‌تان برگردانند، ما چه بخواهیم و چه نخواهیم صهیونیست‌ها و آمریکا و شوروی در تعقیب‌مان خواهند بود تا هویت دینی و شرافت مکتبی‌مان را لکه‌دار نمایند» (صحیفه نور، جلد ۲۰: ۲۳۷).

فرزندان انقلابی امام راحل(ره) و سربازان حریم ولایت، هوشیار و با بصیرت عمل نموده و در حفظ و گسترش ارزش‌ها تلاش‌های خدامحورانه‌ای را به عمل آورده و دشمنان را مایوس نمایند. زیرا:

«تنها باطل السحر توطئه‌های دشمن علیه انقلاب و جمهوری اسلامی همانا حراست از اصول بنیانی انقلاب و پاسداری از ارزش‌های انقلاب است. این، آن نقطه‌ی روشنی است که شعار ضدیت با سلطه‌ی جهانی استکبار را عالمگیر ساخته و ارکان نظام سلطه‌ی جهانی را متزلزل کرده است و همین است که از این پس ملت ایران را بر همه‌ی توطئه‌های دشمنان فایق خواهد ساخت» (پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره) (۱۳۶۹/۰۳/۱۰).

منابع

- قرآن کریم
- ابراهیم نژاد، محمد رضا (۱۳۹۱)، فلسفه ارزش‌ها، پایگاه اطلاع رسانی طوبی در [http:// www.tooba.net](http://www.tooba.net)
- برینر، برت اف (۱۳۷۵)، سکولاریسم و دین، ترجمه افروز اسلامی، نامه فرهنگ، شماره ۲، سال ششم، تابستان.
- پدریان، مرتضی (۱۳۷۷)، دفاع از ارزش‌ها در دیدگاه امام(ره)، مجموعه مقالات همایش اندیشه‌های دفاعی امام خمینی(ره)، جلد ۲، تهران: انتشارات دفاع.
- پیروز، علی آقا و دیگران (۱۳۸۶)، مدیریت در اسلام، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- تامس، آلن (۱۳۸۳)، ارزش چیست؟، ترجمه عزت‌الله فولادوند، نشریه بخارا، شماره ۳۷.

- ترنر، جاناتان اچ (۱۳۷۸)، مفاهیم و کاربردهای جامعه‌شناسی، ترجمه فولادی و بختیاری، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- جعفری، سیداصغر (۱۳۹۲)، فاطمه (س) الگوی برتر، تهران: اشجع.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۱)، مفاتیح الحیات، قم: اسراء.
- خامنه‌ای، سیدعلی (بی تا)، مجموعه سخنرانی‌ها و پیام‌ها، پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری در <http://www.leader.ir>.
- خمینی، سیدروح الله (بی تا)، صحیفه نور، تهران: مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- زاهدین لیاقت (۱۳۸۹)، مهیا، اهمیت پوشش در ملل عالم، فرهنگ پویا، شماره ۱۸، پاییز ۱۳۸۹.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۴)، تفسیرالمیزان، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- علی احمدی، علیرضا و علی احمدی، حسین (۱۳۸۳)، مدیریت ارزشی با تکیه بر ارزش‌های اسلامی، تهران: تولید دانش.
- عمید، حسن (۱۳۶۲)، فرهنگ فارسی عمید، تهران: امیرکبیر.
- فیاضی، علی (۱۳۷۸)، تربیت، روش‌ها و اخلاق اسلامی، تهران: طراحان نشر.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۵)، مقدمه علم حقوق، تهران: شرکت انتشار و بهمن برنا.
- کاظم‌زاده قمی، سیداصغر (۱۳۷۶)، علی آئینه عرفان، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- کوئن، بروس (۱۳۷۲)، مبانی جامعه‌شناسی، اقتباس و ترجمه فاضلی و توسلی، تهران: سمت.
- کینی، رالف. ال (۱۳۸۱)، تفکر ارزشی، راهی به سوی تصمیم‌گیری خلاق، ترجمه وحید وحیدی مطلق، تهران: کرانه علم.
- گنجه، امید (۱۳۹۰)، بُراق بصیرت، قم: شمیم قلم.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۳)، جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- مجلسی، محمدتقی (۱۴۰۳ هـ.ق)، بحارالانوار، بیروت: مؤسسه الوفاء.
- محرابی، علیرضا (۱۳۸۸)، نقش ارزش‌گرایی دینی در امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه حصون، شماره ۱۹.
- محسنی، منوچهر (۱۳۷۱)، جامعه‌شناسی عمومی، تهران: طهوری.
- محسنیان راد، مهدی (۱۳۷۵)، انقلاب، مطبوعات و ارزش‌ها، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱)، ارزش‌های اسلامی در مدیریت، پایگاه اطلاع رسانی طوبی.
- [http:// www.tooba.net](http://www.tooba.net)
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۴)، نظام اقتصادی اسلام، قم: صدرا.
- نهج البلاغه امام علی (ع)، ترجمه محمد دشتی (۱۳۷۹)، تهران: زهد.
- نیک‌گهر، ابوالحسن (۱۳۶۹)، مبانی جامعه‌شناسی، تهران: رایزن.
- وثوقی، منصور و نیک خلق، علی‌اکبر (۱۳۷۱)، مبانی جامعه‌شناسی، تهران: خردمند.
- همفر (۱۳۸۰)، خاطرات سیاسی مستر همفر، ترجمه علی کاظمی، قم: انتشارات اخلاق.

- Rabasa, Angel, Cheryl Benard, Lowell H. Schwartz (2007), Building Moderate Muslim Networks, Peter Sickle, New York, Rand Corporation.
- Sharma, R.S (1994), Encyclopedia of Value and Moral Education, New Delhi, Cosmo publications.